



سه شنبه  
۱ آذر ۱۳۹۰  
مدرسه دانشجویی قرآن و عترت  
دانشگاه تهران  
شماره ۲۷

www.Kashef.goo.ir | KashefNews@Live.com

سال اول

برای عضویت در انجمن ادبی خوشه چینان وحی  
نام خود را همراه با عبارت «خبرنگار» به شماره  
۰۹۱۹۳۱۰۲۹۴۹ پیامک کنید  
برای عضویت در گروه خبرنگاران افتخاری کاشف  
نام خود را به شماره ۰۹۱۹۳۱۰۲۹۴۹ پیامک کنید



امام زین العابدین (علیه السلام) فرمود:

چه محنت و مصیبت بر مؤمن آزاد از این سخت تر، که  
برادر خود را محتاج ببند و نتواند به او کمک کند، او را ندار  
ببند و نتواند علاج آن کند.

امالی شیخ صدوق-ترجمه کمره ای، ص: ۴۵۴

سه شنبه  
۱ آذر ۱۳۹۰  
سال اول  
شماره ۲۷

هفته نامه فرهنگی، خبری  
مدرسه دانشجویی قرآن و عترت  
دانشگاه تهران



اللهم عجل لوليک الفرج

جهت تعجیل در ظهور مولا مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) صلوات



صاحب امتیاز: احمد رضا اخوت

مدیر مسئول: فاطمه قنبریان

سردبیر: نعیمه پور صالحی

هیأت تحریریه: دانشجویان مدرسه قرآن و عترت (کاشفیون)



به نام ســــــــــــــــلام

## ظهور در انتظار سرداران جهــــــــــــــــاد نرم

باشـــــــــــــــــما هستیم، بله خود شـــــــــــــــــما، برخیز!

- هانے چیت چیان**

جهاد نرم ساز و کاری است که بنا دارد عقل اجتماعی (رسول) را در جامعه به حاکمیت رسانده، و بدین ترتیب تمامی استعدادهای انسان را به شکوفایی برساند. نظامی که در آن به واسطه حاکمیت دین الهی و محوریت قرآن در همه عرصه‌ها، تمامی انسان‌ها در قالب یک نظام کامل و برنامه‌ریزی شده به نهایت رشد علمی و معنوی خواهند رسید.

طبیعتاً بار این جریان پرروش مجاهدانی است که باتسلط کامل بر قرآن و ثقل دیگر آن -یعنی عترت(علیهم‌السلام)- و با بهره‌گیری از سطوح بالای طهارت، به شناختی تفصیلی از انسان و جامعه بر اساس قرآن دست یافته و با آگاهی کامل از نقطه مطلوب و نقاط ضعف موجود، اقدام به طراحی برنامه‌های عملیاتی نموده، و در مسیر اجرایی نمودن آن کام برمی‌دارند. مجاهدان این عرصه سردارانی هستند که به برکت اقتدا و یاری ایشان، و راهبری امامشان، فتح

### پیشــــــــــــــــخوان

### شنود از پیشــــــــــــــــت در چاپـــــــــــــــــانه!

### پــــــــــــــــشت پنجره

## دعای اولین‌ها

*بررسی نکات و دقایقی از دعا از منظر قرآن، کلاس استاد رحیمی، یکشنبه ۲۲ آبان*

- آتنا رضائے**

حضرت آدم و همسرش(علیهمالسلام) از امر ارشادی پروردگار تبعیت نکرده و از آن درخت ممنوعه تناول نمودند؛ در نتیجه در زمین هبوط کردند و در یک چنین مقامی گرفتار شدند. توجه به این مطلب ضروری است که نهی در بهشت ارشادی بوده. چون آن عالم، عالم تکلیف نبوده بنابراین نهی مولوی -یعنی از جنس واجب و حرام- نبوده در نتیجه مخالفت امری صورت نگرفته بود. مع ذلك، با اینکه گناهی نکرده بودند، وقتی پای امتحان پیش می‌آید و بلا شامل حالشان می‌شود و سعادت زندگی بهشتی برای یک عمر با آنان وداع می‌کند، مایوس و غمگین نمی‌شوند، و نومیدی، رابطه‌شان را با پروردگارشان قطع نمی‌کند؛ بلکه اینگونه دعا می‌کنند: «رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَ تَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (اعراف/۲۲). در تحلیل دعای حضرت آدم و همسرش(علیهمالسلام) به نکات ذیل دست می‌یابیم:

۱- رَبَّنَا کلید شروع دعاست. حضرت آدم و همسرش(علیهمالسلام) به صفت ربوبیتی متوسل می‌شوند که دافع هر شر و جالب هر خیری است. آری صفت ربوبیت حق، صفت کریمی است که در هر حال بنده را با خدای سبحان آشتی و ارتباط می‌دهد.

۲- متذکر شری تهدید کننده شدند که عبارت بود از خسران در زندگی، و خسران به معنای از دست دادن اصل سرمایه است. بنابراین برای دفع چنین شری، به مغفرت و

می‌نمایند تا جهالت از مردم برچیده شود.

۵. رابطه میان این سرداران، ارتباطی عمیق و معنوی، و خالی از هر گونه مشوبات حسدآلوده و غل‌گونه است، آنان جوانمردانی هستند که ربط خداوند در میان قلبهایشان، صفی غیرقابل نفوذ از آنها خداهد ساخت، مردانی که هر یک چهل نفر را حریف بوده و حاکمان حکومت امام عصر خواهند بود.

۶. آنچه این سرداران را تربیت کرده و تا بدین حد می‌رساند، انس علمی و عملی ایشان با قرآن، و ادعیه اهل بیت(علیهم‌السلام) است.

ظهور به انتظار حضور این سرداران است و هر کسی وظیفه دارد خود را تا بدین مرتبه رسانده و در کوتاه شدن دوران غیبت امام عصر(عجل‌اللعالی فرجه‌الشریف) تمامی تلاش خود را مصروف نماید. این راهی است که به برکت قرآن و دعا بر همگان گشوده شده و هیچکسی نمی‌تواند از زیر بار این مسئولیت شانه خالی کند. امام سجاد(علیه‌السلام) فرمود: «إذا قام قائمنا اذهب الله عزوجل عن شیعتنا العامة و جعل قلوبهم کزیرالحدید و جعل قوّة رجل منهم قوّة اربعین رجلا و یكونون حکام الارض و سنامها»(مشکاةالأنوار،ص۷۹)

عین‌الکاشف: شنیده شده دو تادیرگ از کتابهای مدرسه قرآن و عترت(علیهم‌السلام) به سلامتی و میمنت از زیر چاپ بیرون آمده‌اند. منابع موثق عناوین این کتابها را به شرح زیر اعلام داشته اند:
- پرورش تفکر بنیادی
- مبانی و مهارتهای برنامه ریزی

رحمت الهی پناهنده شدند.

۳- حضرت آدم و همسرش(علیهمالسلام) در پیشگاه ربوبی اظهار حال کردند، ولی مستقیما حاجت خود را مطرح نمودند، و همچنین در اثر مخالفت با امر ارشادی پروردگار در خود احساس ذلت و مسکنتی نمودند که، با وجود آن آبرو و کرامتی در خود ندیدند تا از خدای خود چیزی درخواست نمایند؛ نتیجه این احساس این شد که در برابر هر حکمی که از ساحت ربّ عالم صادر می‌شود، تسلیم محض باشند.

## غم غربت يك سوره...

کلاس ختم مفهومی قرآن، استاد اخوت، شنبه‌ها، سوره مبارکه نساء

- فهیمة جواد**

اکثر ما، برای انس باقرآن، به دنبال سوره‌هایی هستیم که یا کوتاهتر باشند و امکان آشنایی در زمان کمتری با کلیت سوره فراهم شود، و یا مفاهیمی عرفانی و ملکوتی داشته باشند که العطش‌های عارفانه فطرت را سیراب کنند؛ و دقیقاً به واسطه‌ی همین طرز تفکر اشتباه، از قسمت عظیمی از متون هدایتی قرآن محروم می‌شویم -یعنی سوره‌های بلند و سوره‌هایی که آیات احکام دارند و به ظاهر از مضامین عرفانی بی‌بهره‌اند- غافل از اینکه اتفاقاً یکی از مسیرهای هدایت و عرفان در قرآن، همین آیات نورانی احکام می‌باشند.

یکی از سوره‌هایی که به دلیل همین تصور غلط ما، در غربت مانده است، سوره مبارکه نساء می‌باشد. این سوره هم به دلیل طولانی بودن آیات و هم به دلیل اینکه تعداد آیات احکام در آن نسبتاً زیاد می‌باشد و احکام مطرح شده نیز پیرامون ارث و مال یتیم

می‌باشد، و ممکن است موارد ابتلای ما به شرایطی که نیازمند این احکام باشیم بسیار محدود و در دوره‌های خاصی از زندگی باشد، مورد غفلت قرار گرفته است.

دره، آنجا شدت می‌یابد که کم‌همتی و عدم مجاهدت هر یک از ما، به عنوان يك مسلمان شیعه، برای بهره‌مندی از مفاهیم ارزشمند این سوره، به وسعت غربت این سوره می-افزاید.

باید کندی و بی‌تفاوتی را کنار گذاشت و برای برطرف کردن غبار غربت از چهره نورانی این سوره، کمر همت بست.

وقتی خوب روی مضامین سوره دقیق شوی، «سوره نساء را بزرگواری می‌یابی که متواضعانه در کوچه‌های شهر، قدم می‌زند، حتی گاهی در تکتك خانه‌ها را می‌زند و مشکلات و مسائل مردم را می‌بیند و برای هر يك از آنها، نسخه‌ای الهی می‌پیچد. خوب گوش کن،

شاید این سوره، درب خانه دل تو را هم بزند!

خوب قرائتش کن، شاید نسخه ای هم برای درد تو داشته باشد!

## هفته‌های ناتمــــــــــــــــار!

از گردان مالک اشتر

- محبوبه علیـــــــــته**

من تمام روزهای عمرم را در هفت کاسه ریختم، و فقر هر روزم را با کاسه‌ای به گدایی

### پیش‌دانشجــــــــــــــــو

## فاز سوم عملیات علیه تاریکی!

- کوثر مهدیان**

چند ساعتی است که توپخانه‌ی دشمن دیگر غمی‌زند. فقط هر از چند گاهی سوت یک منور و تک‌تیرهای شرور، سکوت شب را می‌شکافد. عملیات‌های فلق و ناس و شناسایی گردان‌های شرور توسط تخریب‌چی‌های سپاه، دشمن را ترسانده است؛ شاید حالا بخواهند خودشان را به تانک و توپ‌های تاریکی، گره‌اندازها و ماده‌ی کشنده‌ی حسد مجهز کنند و سد راه ما شوند. شاید هم نیروی کمکی بطلبند و با به کار انداختن سلاح‌ها و جریان‌های مخفی و با "وسوسه" و ایجاد تأخیر در کارهای خیر و ایجاد شک بین بچه‌ها عملیات-ها را با شکست روبرو کنند.

فرصت‌طلبی و حمله‌ها و پاتک‌های شرور، نباید ما را بهراساند، اگر لحظه به لحظه و

### خوشه‌چینان

## صَرفِ الفت در درون ما

گزارش نشست انجمن ادبی خوشه‌چینان و حه، ســــــــــــــــوره قریش

- فاطمه صادقے قهروگ**

بسم‌رب‌هذاالبیت
قریش و الفتی که بینشان هست. پس جمعی بودند که اسمشان قریش بوده است. در دو موقع از سال سفر(رحلت) می‌کردند و با این سفر هایشان الفت داشته اند. پس شد دو الفت. پس خدای این خانه را بپرسیتد. خدای این خانه کیست؟ خدای این خانه همان کسی که هرچند هم که ضعیف باشی با او و در کنار او قوی

نشستم. بر سر هر گذری که نشستم جوابی نشنیدم. جز صدای ناله‌های کاسه‌ی گدایی‌ام؛ که از برخورد سکه‌های چهل با تن رنجورش آزرده می‌گشت. که من فقیر بودم؛ فقیر معرفت. و کشکول‌گدایی من جز با شناخت تو پر نمی‌شد.

و روزی مردی با پیامی از ملکوت آمد و کاسه‌هایم را از عطر عاشقی لبریز کرد، او که جنس فقرم را می‌شناخت و آمده بود تا چهل هفت روزی عمرم را با گستره‌ی فهمش درمان باشد. او آمد، و از کوثر بی‌پایانش در کاسه‌ی هر روزم عطایی نهاد از جنس نسلش، از جنس خودش!

او همان بود که بیش از نیازم بخشید، تمام نسلش را. و آموختم که هر روزم را سلامی باید به فرزندان او، که جز با شناخت و مدد گرفتن از آنها، آن روز را پایانی نیست. هر روز، قدم به قدم، دست‌هایم را گرفتند و هادی‌ام بودند تا به جمعه رسیدم، و دانستم که جمعه روز وصل است؛ عصاره‌ی همه‌ی شناختی که به من بخشیده شده بود. اما دیدار سیم‌رغ حاصل نخواهد شد، جز با شناخت سی مرغ!

بازگشتی باید برای رسیدن، که من برای رسیدن جمعه موعود باید هر روز هفته‌ام را بشناسم. که تا طلب نباشد مطلوب حاصل نشود. روزهایی که به شناخت نمی‌رسند، روزهایی که صاحب خود را نمی‌شناسند، تمام نمی‌شوند؛ به جمعه نمی‌رسند.

الهی! همتی عطا فرما تا هر روزمان از شناخت تو لبریز گردد، و هفته‌های ناتمام‌مان به جمعه‌ی وصال گره خورد.

ثانیه به ثانیه به خدا پناه ببریم. اما حالا عملیات باید از این مرز هم بگذرد، و مرحله‌ی جدید عملیات با بسم الله الرحمن الرحیم سوره مبارکه مطففین آغاز شود . تلگراف اضطراری: فرمانده\_ از عملیات شماره ۳ خبر می‌دهد. همه ی بچه‌های گردان آماده باشند...

فرمانده فقط ثمایی از نقشه را ترسیم می‌کند، تا زمانی که جزء به جزء آن شرح داده شود. می‌گوید: این جا ما به سه دسته روبرو هستیم:

۱. مطفف: مصداقش کسی است که برای همه چیز کم می‌گذارد، و یا دقیق تر آن این است که پیمانه را تا ته برای خود پر می‌کند و برای دیگران ... ای دل غافل ... و از ویژگی‌های منحصر به فرد او، ظن نداشتن به روز قیامت است، که اگر یک ذره هم بود، کافی بود تا او مطفف نباشد.

صفت "طف" سبب می‌شود که قلب چرک کند و نتواند حقایق را دریافت کند. پس اگر مطفف نباشد ...

۲. فجار: کتابشان در سچین است، و سچین نیز قابل درک نیست.

۳. مکذب: تجاوزگر و اهل تأخیر انداختن در کارها است.

است که ۱. در هنگام گرسنگی به آنان طعام داد. ۲. آنان را از خوف و ترس ایمن کرد. فضا تاحدی دستم آمد، اما حالا باید چگونه متن بنویسم. گویی هنوز چیزی کم است. گاهی داشتن پس‌زمینه‌هایی از فضای سوره‌ها به نوشتن متن کمک می‌کند. پس‌زمینه این سوره این است که، قبيله‌ها چگونه‌اند و چه چیزهایی در قبيله‌ها مهم است؟ اصلا اعراب چگونه و در چه شرایطی سفر می‌کردند؟ پس‌زمینه‌های فضای سوره‌ها گاهی شبیه رنگ می‌ماند که به نقشه سوره و رسم لغات سوره در ذهن‌مان رنگ و لعاب می‌دهند و ذهن را برای تراوش کردن قلقلک می‌دهند. فضای زندگی اعراب در آن دوران که باز شد، تازه قلم‌ها بر روی کاغذها لغزید و نوشته شد، که رب همان است که هرچند هم که ضعیف باشی با او و در کنار او قوی هستی. نوشته شد که دلت خانه خداست؛ غیر خدا در خانه‌ات جایی ندارد و ... اگر دلت بهانه‌ای خواست برای عبادتِ خدا به سراغ الفت با چیزهای مختلف برو: الفت با بستگان و دوستانت، الفت با کتاب‌های متفاوت، الفت با موضوعات مختلف، الفت باخواندن، بانوشتن، بارشته‌دانشگاهیت، باصداهای مختلف، با شهرت، با سبک زندگیت، با... خدا الفت را به خود نسبت داده است، چه خدای مهریانی! حتی از صرف الفت در درون ما هم می‌خواهد ما را به خودش نزدیک کند. راستی اگر خواستی به خدا نزدیک بشوی، به خانه اش برو و عبادت کن؛ آن وقت عبادت رب هذاالبیت را کرده‌ای، شنیده‌ام مسجد خانه خداست. کلام آخر: الفتی که سه سال است ما را با خوشه چینان پیوند داده، کافیتست برای عبادت خدا.